

حرکت در مسیر برنامه ششم؛

## جهت گیری مناسب برای توسعه کرمان



جعفر رودری

احیای مجدد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به تبع آن استان کرمان، فرصت مغتنمی برای بازگشت مجدد و استقرار برنامه ها و اقدامات دولت، برمدار برنامه ریزی و نگاه کارشناسانه بود. تأکیدات عالی ترین مقام برنامه ریزی کشور، جناب آقای دکتر نوبخت به عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور بر برنامه ریزی و نگاه کارشناسانه متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی و از جمله سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری حکایت از این رویکرد هم در کشور و هم

استان در سال ۹۵ داشته است.

در استان کرمان نیز پس از روی کار آمدن جناب آقای رزم حسینی و توجه ویژه ایشان به امور اقتصادی به خصوص مشارکت بخش خصوصی در توسعه و آبادانی، برنامه ریزی برای اقدام و عمل در سایه سیاست های اقتصاد مقاومتی از ابتدا زمینه بسیار مناسبی را برای ورود سازمان به حوزه های اقتصادی و برنامه ریزی در استان فراهم نمود، که تهیه اسناد توسعه ای در حوزه های اقتصاد مقاومتی، برنامه توسعه ششم، آمایش و ... همگی بر همین مبنا و با مشارکت چشم گیر کارشناسان سازمان برنامه و مجامع دانشگاهی و بخش خصوصی (اتاق بازرگانی) میسر شده است. هم راستا ساختن جهت گیری های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت از جمله نکات کلیدی در امر برنامه ریزی است، از این رو برنامه های اقتصاد مقاومتی استان نیز منبعت بر دیدگاه برنامه محوری و توجه به هسته های کلیدی و پیشران های توسعه و با نگاه آمایش سرزمینی، در سه مقطع زمانی مورد توجه قرار گرفته است. بر همین مبنا، طرح ها و پروژه هایی که نقش پیشرانی و پیشسازی بالاتری برای ایجاد رونق و تحرک اقتصادی داشته در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی به تصویب رسیده اند، از جمله نقاط قوت پروژه های اقتصاد مقاومتی استان، پروژه های بخش خصوصی است که برای اولین بار تکالیفی فراتر از چارچوب معمول وظایف دستگاههای اجرایی تعریف شد تا ظرفیت بخش دولتی و خصوصی توانمند به سوی تحقق اهداف توسعه اقتصادی به کار گرفته شود و همچنین استفاده از ظرفیت بنگاه های بزرگ اقتصادی و موسسات غیر دولتی در راستای تحقق اهداف توسعه ای از جمله اقدامات برجسته در این خصوص می باشد. در نگاه بلند مدت و بر اساس اهداف چشم انداز توسعه در افق ۱۴۰۴، استان کرمان، استانی توسعه یافته، برخوردار از عدالت همه جانبه، برخوردار از اقتصاد پویا، پیشستاز و رقابتی، قطب اصلی معدنی ایران، نقش آفرین به عنوان قطب کشاورزی جنوب کشور و برخوردار از صنعت ممتاز، پیشرفته و دانش بنیان ترسیم شده است. در تدوین اسناد برنامه ششم استان نیز به عنوان یک برنامه میان مدت، ابتناء به سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مبنای عمل قرار گرفته است که کار تدوین برنامه ششم توسعه در ۲ مرحله صورت خواهد گرفت: الف: تهیه و تدوین سند توسعه استان که دربرگیرنده اهداف کلان توسعه استان و بخش ها، جهت گیری های کلی توسعه و راهبرد های توسعه کلان و بخش های اقتصادی می باشد. ب: برنامه عملیاتی توسعه استان که قاعدتاً بعد از تصویب برنامه ششم کشور و ابلاغ برش استانی انجام خواهد شد. هدفگذاری نرخ رشد تولید ناخالص داخلی استان ۸/۵ درصد صورت گرفته است، به طوری که مقرر گردید یک سوم از رشد اقتصادی استان (۲/۸ واحد درصد) از طریق افزایش بهره وری تحقق یابد. بر اساس برآوردهای انجام شده، به منظور تحقق رشد اقتصادی ۵/۷ درصد (از محل سرمایه گذاری جدید)، سالانه به طور متوسط ۲۴۵ هزار میلیارد ریال سرمایه گذاری مورد نیاز می باشد. یکی از برنامه های مهم استان، انجام مطالعات آمایش و پیشبرد برنامه های آمایش و فضایی هم راستا با برنامه های توسعه اقتصادی می باشد، با توجه به برنامه زمانبندی ارایه شده، مقرر است که مطالعات در اوایل سال ۱۳۹۶ به اتمام برسد، در انجام مطالعات آمایش رعایت جنبه مهم زیر بوده و همواره مورد تأکید قرار گرفته است.

الف: مطالعات آمایش به لحاظ کیفی از چنان عمق و محتوایی برخوردار باشد که بیان کننده چالش های مهم و تعارضات اساسی بین عناصر فضایی، استان باشد.

ب: از سطح تعامل و هماهنگی بالایی با سیستم اجرایی و دستگاه های تخصصی برخوردار باشد تا کاری علمی و در عین حال عملیاتی و اجرایی باشد.

مجموعه اقدامات اقتصادی و برنامه ریزی انجام شده در سال های اخیر، عمدتاً در راستای اصلاح ساختار اقتصادی و جهت گیری مناسب امر توسعه در استان بوده است.

\* رئیس سازمان برنامه و بودجه استان کرمان

نقدی بر ناتمام ماندن آمایش؛

## غلبه بر چالش های تعادل منطقه ای



علیرضا شکیبایی

هدف برنامه آمایش سرزمین، هماهنگی بین "فعالیت ها، فضا و انسان" به منظور رشد توسعه و توازن منطقه ای است. استان پهناور کرمان با مراکز جمعیتی متعدد (۸۱ شهر و بیش از ۵ هزار روستا) با تنوع اقلیم و آب هوا همواره با عدم تعادل های اقتصادی روبرو است.

علت های اصلی آن به خاطر زیر بناها و سیاست های اتخاذ شده مدیریت منطقه ای و ملی در کنار شرایط جغرافیایی استان است. عدم تعادل های اقتصادی منجر

به عدم توسعه متوازن سکونت گاه ها، عدم رعایت سلسله مراتب شهری، کاهش تولید و اشتغال و ... را به دنبال دارد. مرکز فعالیت های اقتصادی در استان در شهرستان های کرمان، سیرجان، رفسنجان و جیرفت تمرکز یافته و دیگر شهرستان ها کمتر برخوردار هستند.

در خصوص مدیریت منطقه ای و ملی، برنامه های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت، توفیق چندانی در جهت پاسخ به چالش های تعادل منطقه ای نداشته اند. مهمترین عوامل عدم توفیق برنامه های تعادل بخشی استان، عبارتند از:

۱- حاکم بودن اقتصاد محوری به جای انسان محوری - در دیدگاه انسان محوری اهداف رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی (عدالت اقتصادی، عدالت بین نسلی، عدالت منطقه ای) به عنوان الزامات توسعه مطرح می گردند.

دستیابی به این مهم مستلزم پذیرش رویکرد آمایشی و در قالب آن تأکید و توجه خاص به این مسئله که عامل مکان و محدودیت های آن نباید مانعی برای دستیابی به توسعه متعادل باشد.

۲- تمرکز گرایی: برنامه ریزی در ایران همواره با درجه بالایی از تمرکز، تعریف شده است. تمرکز گرایی از مرکز و بخش ها بوده و علیرغم تلاش ها و تأکیدات بسیار بر ضرورت اصلاح آن و تمرکز زدایی نظام سیاسی و قانونی تمرکز را بیشتر پشتیبانی و تقویت نموده است. در این خصوص نگرانی های دولت مرکزی در زمینه مسئولیت پذیری هزینه ها، عدم توازن منطقه ای افت کیفیت خدمات دولتی و ... منجر به این شده که دولت مرکزی برای تفویض اختیارات به مناطق، انگیزه کمی داشته باشد. و تلاش مناطق از جمله استان کرمان کم نتیجه بوده است.

۳- عدم وجود نظام مدیریت توسعه منطقه ای. آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته و در عین حال حکم حلقه مفقوده نظام برنامه ریزی منطقه ای را داشته است، نظام مدیریت توسعه منطقه ای است که به نظر می رسد فقدان آن مهمترین عامل در عدم اجرای بسیاری از پیشنهاد های طرح های منطقه ای است و موجب ناتوانی و عدم تأثیر گذاری جدی بر سامان بخشی و اداره توسعه درون زا و خودجوش را در یک سرزمین دارد. لذا الگو های مدیریت توسعه منطقه ای یک ضرورت است. به نظر می رسد بیشتر به دنبال سیاست گذاری منطقه ای که از مرکز برای ما تنظیم شده است هستیم تا مدیریت توسعه منطقه ای.

لذا کمتر به برنامه آمایش که راه کار مدیریت توسعه منطقه ای است توجه داریم و کمتر به استقبال آن می روییم.

هدف اساسی از مدیریت و برنامه ریزی آمایش سرزمین، توزیع فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی متناسب با ظرفیت های آشکار و پنهان و تحولات نیاز های طی زمان است. این نوع برنامه ریزی عمدتاً با رویکردی بلندمدت، به منظور بهره برداری بهینه از امکانات و برجسته نمودن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه بر اساس توانمندی ها و قابلیت های آن به طور هماهنگ با دیگر مناطق شکل می گیرد.

بر اساس این نقش و مسئولیت که حاصل روندهای طبیعی و قانونمند هر منطقه به شمار می رود و همچنین برنامه ریزی های منطقه ای، برنامه توسعه ملی می تواند در مناطق گوناگون اجرا شود. به همین دلیل متخصصان اذعان می کنند، برنامه ریزی در آمایش سرزمین، بدون برنامه ریزی منطقه ای عملاً کار بردی نخواهد داشت.

\* عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان